

نگرشی به آپارتاید؛ یک دهه پس از سقوط

ولی‌اله محمدی نصرآبادی*

چکیده

مردم آفریقای جنوبی و صدها هزار نفر در سراسر جهان در اردیبهشت ماه سالجاری، دهمین سالگرد سقوط آپارتاید و تبعیض نژادی در آفریقای جنوبی و حاکمیت مردم بر این کشور را جشن گرفتند. بهمین مناسبت و همچنین شروع دومین دوره ریاست جمهوری تابو امبکی رئیس‌جمهور آفریقای جنوبی، مراسم ویژه‌ای با حضور هزاران میهمان داخلی و خارجی شامل روسای جمهور، نخست‌وزیران، وزراء و میهمانان از سراسر دنیا در پرتوریا برگزار شد. ده سال قبل در آوریل ۱۹۹۴ یکی از بزرگترین رخدادهای سالهای پایانی قرن بیستم بوقوع پیوست و مبارزات یک صد ساله مردم آفریقای جنوبی در راه رسیدن به استقلال واقعی و مردمسالاری به ثمر نشست و سیستم مبتنی بر نژاد پرستی جای خود را به سیستم مردمسالاری و غیر نژادی داد. نلسون ماندلا که تمام عمر خود را در راه مبارزه با آپارتاید صرف کرده و ۲۷ سال در زندانهای مختلف گذرانده بود، به ریاست جمهوری انتخاب شد. دولت ماندلا و جانشین وی در طول ده سال گذشته برای زدودن آثار آپارتاید از جامعه آفریقای جنوبی تلاشهای زیادی کردند. مقاله حاضر بدنبال عریان کردن چهره حکومت و اندیشه غیر عقلانی برتری نژادی بوده و در این راستا مفهوم، ارکان و نحوه ظهور و سقوط آپارتاید را بررسی می‌کند.

*. رئیس اداره اول آفریقای وزارت امور خارجه

مقدمه

بنابه روایت تاریخ، مهاجرین اروپائی پس از کشف سرزمین آفریقای جنوبی در سال ۱۴۸۸ میلادی توسط کاشفین پرتغالی، بسوی آن هجوم آوردند. هلندیها اولین اروپائی‌هایی بودند که وارد این کشور شدند. آنها در منطقه کیپ ساکن گردیدند. ساکنان این مهاجر نشین رفته رفته افزایش یافته و در صدد تصرف اراضی مجاور اطراف برآمدند. آنها پس از سالها و چندین نبرد خونین با بومیان آرام آرام توانستند این سرزمین را تسخیر کنند.

اروپائی‌ها بر اساس اعتقاد خود مبنی براین که سفید پوستان شایسته‌تر از غیر سفیدها و بویژه سیاهان هستند، سیاهپوستان را در سرزمین آباء و اجداد خود تحت شدیدترین و غیر انسانی‌ترین مظالم قرار داده و آنها را در میهن خویش از هر گونه حق سیاسی و اجتماعی محروم کردند. سفیدپوستان با برقراری سیستم آپارتاید و تصویب قوانین به جداسازی نژادها، اختصاص بهترین منابع کشور و تمام مزایای زندگی برای خود و شهروند درجه دو حساب کردن بومی‌های آفریقای جنوبی اقدام نمودند.

نظریه تبعیض نژادی و آپارتاید در ۱۹۴۸ توسط حزب ملی به یک سیستم حکومتی تبدیل شد و علیرغم اینکه از سوی تمام مردم دنیا و همچنین سازمانهای بین‌المللی و منطقه‌ای مطرود بود، توانست بیش از ۴۰ سال بر آفریقای جنوبی حکومت کند. شاید کمتر کسی بطور عمیق وضعیت رنج آور تبعیض نژادی را بشناسد و درک کند. اما میلیونها نفر در طول ۴۰ سال بطور مستقیم از این سیستم غیر انسانی که حقوق آنها را در تمامی زمینه‌ها پایمال می‌کرد، رنجها بردند.

سرانجام پس از چند دهه حاکمیت سفید پوستان و استقرار نظام آپارتاید در آفریقای جنوبی سیر تحولات داخلی و بین‌المللی به نفع دموکراسی در این کشور پیش رفت

و موجب به قدرت رسیدن دی کلرک در ۱۹۸۹ شد. وی که یک اصلاح طلب بود، در فوریه ۱۹۹۰ در یک نطق پارلمانی اعلام کرد بزودی به اصلاحات دست خواهد زد. از آن تاریخ به بعد پروسه انتقال حکومت از سیستم مبتنی بر آپارتاید به سیستم دموکراسی آغاز شد؛ و با برگزاری اولین انتخابات همه نژادی در آوریل ۱۹۹۴ که نتیجه آن پیروزی کنگره ملی آفریقا (ANC)^۱ و انتخاب نلسون ماندلا بعنوان رئیس جمهور بود، به سر منزل مقصود رسید.

هدف این مقاله مطالعه و شناخت آپارتاید می باشد؛ اعتقادی که نزدیک به سه قرن و نیم از ظهور آن در آفریقای جنوبی می گذرد؛ بیش از یکصد سال بر مردم سیاه و مظلوم آفریقای جنوبی سلطه داشته و حداقل ۴۰ سال بعنوان سیستم حکومتی بر کشور حاکم بوده و کرامت بشری و انسانیت را سرکوب نمود. تسلط طولانی این عقیده و نظریه سیاسی بر کشور آثار مخرب و نابود کننده فراوان اجتماعی و اقتصادی برجای گذاشت. بطوریکه پس از یک دهه تلاش و فعالیت برای زدودن آنها، همچنان این اثرات باقی است.

مفهوم آپارتاید^۲

آپارتاید یک لغت آفریکانز^۳ بمعنای «جدایی و تفکیک» است. این لفظ نخستین

^۱ - African National Congress

^۲ . Apartheid

^۳ . آفریکانز (Africans) زبان اروپایی های سفید پوست آفریقای جنوبی است که ترکیبی از زبانهای انگلیسی، آلمانی و هلندی می باشد.

بار در ۲۶ مارس ۱۹۴۳ در سر مقاله روزنامه دی بورگر^۱ که وابسته به حزب ملی آفریقای جنوبی بود، بکار برده شد.^(۱) در این سرمقاله به سیاست آپارتاید حزب ملی اشاره رفته بود. استفاده بعدی از این واژه نیز بار دیگر در سرمقاله شماره ۹ سپتامبر ۱۹۴۳ همین روزنامه بود که از موضع شناخته شده آپارتاید سخن رفته بود.

نخستین استفاده از واژه آپارتاید در پارلمان آفریقای جنوبی در ۲۵ ژانویه ۱۹۴۴ بود. در این جلسه دکتر مالان هنگام پیشنهاد تاسیس یک جمهوری در آفریقای جنوبی ماهیت حکومت مورد نظر خود را روی هم رفته چنین توصیف کرد: "بمنظور تضمین امنیت نژاد سفید و تمدن مسیحی بوسیله رعایت صادقانه اصول آپارتاید و قیمومیت".^(۲)

مالان در سخنان خود ضمن بیان طرح قانون اساسی برای تشکیل یک دولت مسیحی که الزاما باید بطور یکدست آفریکانز باشد، به تشریح نظریه آپارتاید یا رشد جداگانه نژادهای غیراروپائی تحت قیمومیت سفیدپوستان می‌پردازد.^(۳)

این واژه بکندی رواج یافت. اما اندکی پس از جنگ مورد قبول عامه قرار گرفت. مخصوصا چون به شکل اصلی و ترجمه نشده وارد واژگان سیاسی زبان انگلیس گردید. دلیلی وجود نداشت که ترجمه آن مثلا واژه جدایی^۲ مورد استفاده قرار نگیرد؛ ولی ظاهرا قصد این بود که با استفاده از یک واژه خارجی در زبان انگلیسی چیزی بیگانه و شوم را القاء کند. چیزی آنچنان پلید که برای آن در همه زبان انگلیسی واژه‌ای یافت نشود. یک علت دیگر برای ترجمه ناپذیری آپارتاید در عمل این است که این واژه یک معنی خاص ندارد. در واقع تا به امروز هنوز اتفاق نظری روی معنای دقیق آن پدیده نیامده است.^(۴)

^۱. Die Burger

^۲. separation

این کلمه در اصطلاح به سیاست تبعیض نژادی که توسط حزب ملی آفریقای جنوبی از سال ۱۹۴۸ اعمال گردید، اطلاق می‌شود. دولت حزب ملی پیش از شروع بکار با ارائه یکسری قوانین جدید به اجرای سیاست آبارتاید پرداخت و امتزاج نژادها را غیرقانونی اعلام کرد.

سیاست تبعیض نژادی از اواسط قرن هفدهم و همگام با استعمار اروپائیان در آفریقای جنوبی آغاز گردید. اما حزب ملی آفریقای جنوبی روشی را در پیش گرفت که تبعیض را شامل کلیه جنبه‌های زندگی افراد غیر سفید نمود. این سیاست مبتنی بر سیادت کامل قوم سفید و تبعیض مطلق نسبت به غیر سفیدهاست و از لحاظ نظری معتقد به جدایی کامل نژادهاست. طرفداران آبارتاید آن را ضامن حفظ تمدن در آفریقای جنوبی دانسته و معتقدند که اساس آبارتاید به نوعی احساس قیمومیت نسبت به مردم نهاده شده و به غیر سفیدها اجازه می‌دهد زندگی خود را بطور مجزا و در دنیای خود ادامه دهند. بدین ترتیب آبارتاید خواستار ایجاد جوامع نژادی بسته و مجزا در آفریقای جنوبی است. طبق قوانین آبارتاید حقوق سیاسی، حق نقل مکان، اختیار انتخاب مسکن، مالکیت زمین، انتخاب شغل و ازدواج غیر سفید محدود شده است. یک سلسله قوانین دیگر واحدهای منطقه‌ای جهت غیر سفیدها پیش بینی می‌کند که به هوم لند^۱ مشهورند.^(۲)

ریشه آبارتاید را می‌توان در یکی از دو نظر زیر و یا هر دو جستجو نمود:

۱- آبارتاید شکل گرفته در آفریقای جنوبی ریشه در عقده‌های درونی سفیدپوستان مهاجری داشت که خود بنوعی قربانی تبعیض نژادی حاکم بر آنان در اروپا بود. بطوری که آنها مجبور به مهاجرت به آفریقای جنوبی شده بودند و اکنون عقده‌های نهفته خود را بر

^۱. Homland

مردمی دیگر می‌گشودند.

۲ - سفیدها به نظریه برتری نژاد سفید نسبت به بقیه نژادها و بویژه سیاهان اعتقاد داشتند. دی کویت نویسنده تاریخ آفریقای جنوبی در خصوص طرز برخورد مستعمره نشینان با مردم محلی می‌گوید "به اعتقاد ایشان چیزی بیشتر از اسلحه در کار بود که باعث می‌شد سفید پوستان بر بومیان چیره شوند و برتری ایشان بخاطر عواملی بیشتر از هوش و تاسیسات ایشان بود. برتری ایشان زاده نژاد و مذهب بود. صفتی خدادادی که نه به نژادهای دیگر قابل انتقال بود و نه برای آنها قابل اکتساب" (۶) بر همین اساس است که فن‌ریبیک^۱ کسی که در قرن هفدهم اولین پایگاه سفیدها در آفریقای جنوبی را برپا ساخت، سیاه پوست را "سگ بوگندوی سیاه"^۲ نامید. (۷) در همان زمان انگلیسی‌ها صحبت از باری می‌کردند که سفید پوست بر دوش داشت و فرانسویان دم از ابلاغ نمودن تمدن خویش به سایر مردم جهان می‌زدند. سوسیال داروینیزم و انسان شناس عامه پسند تعلیم می‌داد که سفید پوستان شایسته‌تر و با استعدادتر از سایر مردم غیر سفید هستند. "آرتور ارجنس" استاد دانشگاه کالیفرنیا در ۱۹۱۹ بیان نمود که در اختلاف هوشی بین کودکان سفید و سیاه عوامل ژنتیک ممکن است نقش داشته باشد. در ۱۹۶۲ "کارلتون سن کون"^۳ این نظریه را مطرح ساخت که تحول انسان در اروپا سریعتر از آفریقا به انجام رسیده چنانکه انسان معاصر در اروپا زودتر پیدا شد. ویل^۴ و

۱. Jan Van Reibeeck

۲. black stinking dogs

۳. Garlton S. Caon

۴. Weyle

پوسون^۱ در ۱۹۶۳ در تفسیر این نظریه نتیجه گرفتند که دون سرشتی آفریقائیان به تاخیر تحول و تکامل آنان می‌باشد.^(۸)

لازم به ذکر است که در درس نژاد شناسی که در دوران آپارتاید در دبیرستانهای سفید پوستان در آفریقای جنوبی تدریس می‌شد، تمام درس پر بود از تکرار مکرر این تز که انسان سفید پوست را خدا به آفریقای جنوبی آورده است تا قیسم سیاه پوستان باشد و قومیت او می‌بایستی بوسیله آپارتاید انجام شود.^(۹)

ظهور آپارتاید

حزب ملی در سال ۱۹۳۴ توسط دکتر مالان تشکیل شد. این حزب که برنامه وسیعی برای اعمال تبعیض نژادی داشت، از یک ناسیونالیسم طرفدار آفریکانزهای افراطی دم می‌زد و هواخواه سیاست جدا کردن نژادها در آفریقای جنوبی برای تضمین بقای آفریکانزها بود. رهبران این حزب اعتقاد داشتند که نژادها جداگانه خلق شدند و این جدائی را همیشه باید حفظ نمود. با توجه به این هدف باید احساس تمایز نژادی در میان انسان سفید پوست بنحوی پرورش داده شود که پاکی نژادی حفظ شود.^(۱۰) حزب ملی با بهره برداری از برخی گلاویه‌های زمان جنگ علیه حکومت اسموتس^۱ در نخستین انتخابات عمومی پس از جنگ جهانی دوم که در سال ۱۹۴۸ برگزار شد، اکثریت کرسی‌های مجلس را از آن خود کرده و به حکومت رسید. این حزب بعد از روی کار آمدن سیاست خود را متوجه امتیازات غیر عادلانه سفیدپوستان و تحکیم موقعیت آنان در آفریقای جنوبی

^۱. Posson

^۲. J. smuts

نموده و برای حصول به این مقصود سیاست آپارتاید جدائی نژاده را اعمال کرد.

زمانی که حزب ملی به قدرت رسید برای پیشبرد سیاست تبعیض نژادی

اعلامیه‌ای مبتنی بر توسعه جداگانه نژادها منتشر نمود که اساس آن عبارت بود از: ^(۱۱)

۱ - افزایش نیرو و توسعه قوانینی که جدائی بین سیاه پوستان و رنگین پوستان را با سفیدها مشخص می‌کند.

۲ - پیشرفت گسترش سیستم اداره غیر مستقیم برای جلوگیری از رشد و توسعه ناسیونالیسم آفریقائی.

۳ - توسعه و بهره برداری از نیروهای کار آفریقائی‌ها به نفع سفید پوستان جهت رسیدن به سطح مطلوب اقتصادی.

۴ - جدا کردن قبائل و سایر سازمانهای ناحیه‌ای بر مبنای ساختار فرهنگی، زبان، آموزش و غیره و وابسته کردن آنها به دولت از طرق مختلف.

براین اساس حزب ملی ساختار سیاسی - اجتماعی آپارتاید را طراحی و پیاده

نمود. بر اساس این طرز تفکر جامعه آفریقای جنوبی به گروههای نژادی زیر تقسیم گردید.

(الف) سفید پوستان یا اروپائیان که عمدتاً آفریکانزها می‌باشند.

(ب) سیاه پوستان یا آفریقائی‌ها

(ج) رنگین پوستان یا دو رگه‌ها که از اختلاط نژادها بوجود آمده اند.

(د) آسیائی‌ها که عمدتاً هندی الاصل می‌باشند.

در واقع حزب ملی مبتکر آپارتاید و جدائی نژادی نبود. زیرا این پدیده ریشه در

تاریخ ورود اولین گروه‌های سفیدپوست به آفریقای جنوبی داشته^۱ و بویژه از اوایل قرن هیجدهم به بعد همواره نوعی آپارتاید در کشور وجود داشته است. نخستین قانون اساسی آفریقای جنوبی که در سال ۱۹۰۹ از تصویب مجلس انگلستان گذشت و اتحادیه آفریقای جنوبی را تاسیس نمود، حق شرکت در مجلس را از سیاهان سلب کرد. قانون اراضی بومیان^۲ در سال ۱۹۱۳ مناطق معینی از کشور را بعنوان مناطق مختص بومیان جدا کرد. قانون اصلاحی معادن و امور کارگری^۳ در ۱۹۲۶ آفریقائیان را از امور فنی معادن کنار گذاشت. با قانون اداره بومیان^۴ در ۱۹۲۷ محدودیت‌های بیشتری دامنگیر آفریقائیان شد. قانون آشوبگرانه^۵ در سال ۱۹۳۰ آزادی‌های فردی را محدود ساخت و قوانین حق رای سال‌های ۱ - ۱۹۳۰ فقط سفید پوستان را مشمول حق رای قرار داد.

همانطور که مشهود است حزب ملی مبتکر آپارتاید نبود بلکه تنها تثبیت کننده قوانین و مقررات تبعیض نژادی در جهت ایجاد اتحاد قومی آفریکانرها و گسترش منافع آنها بود. این حزب با انتخاب سیستم حکومتی مبتنی بر آپارتاید و تبعیض نژادی، آپارتاید را از حالت نظری به یک سیستم حکومتی کشوری تبدیل کرد.

۱. اولین قانون تبعیض نژادی در سال ۱۶۶۰، بعد از چند سالی که از ورود سفید پوستان به منطقه کیپ گذشته بود، به اجرا درآمد. در سال ۱۶۳۳ اولین مدرسه مختص سیاهان ایجاد گردید. اولین قانون کسه ازدواج سفید پوستان و سیاه پوستان را ممنوع کرد در سال ۱۶۸۵ به تصویب رسید. (۱۲)

۲. Natives land Act

۳. Miner and worker Amend Act

۴. Natives Administration Act

۵. Riotous Assmblies Act

مظاهر آپارتاید

نژاد پرستان سفید از ابتدای قرن بیستم قوانین نژاد گرایانه بسیاری را تصویب و اجرا نمودند. که مهمترین آنها عبارتند از:

۱ - قانون ثبت جمعیت^۱ (۱۹۵۰)

۲ - قانون منع ازدواج مختلط^۲ (۱۹۴۹)

۳ - قانون مناطق گروهی^۳ (۱۹۵۰)

۴ - قانون ضد اخلاقی^۴ (۱۹۵۰)

۵ - قانون تسهیلات جداگانه^۵ (۱۹۵۳)

۶ - قوانین زمین

۷ - قانون هوم لند

۸ - قانون کارگران بومی^۶ (۱۹۶۷)

۹ - قانون تروریسم (۱۹۶۷)

۱۰ - قانون بازداشت ۹۰ روزه^۷ (۱۹۶۳)

۱۱ - قانون خرابکاری^۸ (۱۹۶۲)

1. Population Registration Act
2. Prohibition Of Mixed Marring Act
3. Group Areas Act
4. Immorality Act
5. Separate Amenities Act
6. The Native Labour Act
7. Ninety Days Detention Act
8. Sabotage Act

- ۱۲ - قانون رای جداگانه^۱ (۱۹۵۱)
- ۱۳ - قانون آموزش بانتوها^۲ (۱۹۵۳)
- ۱۴ - قانون سرکوب کمونیستها^۳ (۱۹۵۰)
- ۱۵ - قانون پیشگیری از اقامت غیرقانونی^۴
- ۱۶ - قانون جواز عبور^۵
- ۱۷ - قانون امنیت داخلی^۶ (۱۹۸۲)
- ۱۸ - قانون بکارگیری فیزیکی^۷
- ۱۹ - قانون توسعه آموزش دانشگاهی^۸ (۱۹۶۵)

هفت قانون از قوانین فوق اهمیت بیشتری داشته که می‌توان گفت آنها ارکان اصلی آبارتاید بوده اند. بعبارت دیگر سیاست آبارتاید دارای ۷ رکن اصلی است که عبارتند از:

الف) قانون ثبت جمعیت:

این قانون در سال ۱۹۵۰ به تصویب رسید. براساس این قانون جمعیت موجود در

-
- ^۱ - Separate Representation of Voters Act
 - ^۲ - Bantu Education Act
 - ^۳ - Suppression of Communism
 - ^۴ - Prevention of Illegal Squatting
 - ^۵ - Pass law
 - ^۶ - Internal Security
 - ^۷ - The Physical Planning
 - ^۸ - Expansion of University Education Act

کشور به چهار دسته کلی تقسیم شدند. سفیدها، هندیها (آسیائی‌ها)، رنگین پوستان و سیاهان.

(ب) قوانین منع ازدواج مختلط و ضد اخلاقی

قانون منع ازدواج مختلط در سال ۱۹۴۹ به اجرا درآمد و بلافاصله پس از آن قانون ضد اخلاقی و اصلاحیه آن ارائه شد که ازدواج سفیدپوستان با سیاه پوستان، دورگه‌ها و آسیائی‌ها حتی ارتباط جنسی میان آنها را بر خلاف اخلاق بحساب آورده و آنرا غیرقانونی اعلام کرد.

(ج) قوانین زمین:

قانون اراضی بومی در سال ۱۹۱۳ تصویب شد. براساس این قانون مالکیت زمین برای سیاهان در محدوده منطقه قبیله‌ای آنها محدود شد. در سال ۱۹۳۶ این قانون با تصویب قانون شرکتهای بومی و زمین^۱ که بعدها قانون توسعه شرکت و زمین^۲ نامیده شد، تکمیل گردید. قانون مزبور به دولت اجازه می‌داد هرگونه فعالیت اقتصادی سیاهان شامل تجارت، زراعت، ساختمان سازی، ایجاد شهرک‌های سیاه پوست نشین و تملک زمین را تحت کنترل خود قرار دهد. نتیجه این قوانین تعلق ۸۷ درصد از زمین‌های آفریقای جنوبی به سفیدپوستان بود.

^۱ - The Native Trust and Land Act

^۲ - Development Trust and Land Act

(د) قانون مناطق گروهی:

این قانون در سال ۱۹۵۰ به تصویب پارلمان رسید. بر اساس آن مناطق سکونت نژادهای مختلف بر اساس رنگ پوست آنها جدا شد. هر گروه نژادی منطقه خاص سکونتی خود را داشته و گروههای نژادی دیگر نمی‌توانند در این مناطق ساکن شده و یا زمین خریداری نمایند. افراد آن منطقه نیز نمی‌توانند به منطقه دیگر نقل مکان کنند.

این قانون که مالان آن را جوهر و مایه اصلی آپارتاید خواند، نه تنها محل سکونت نژادهای مختلف را از یکدیگر جدا می‌کند، بلکه براساس آن مناطق متعلق به سیاه‌پوستان و رنگین‌پوستان بمراتب بدتر، خشک‌تر، بد آب و هوایتر و مساحت مجاز برای سکونت بمراتب کوچکتر از محل سکونت سفیدپوستان تعیین شده است.

(ه) قانون تسهیلات جداگانه

در سال ۱۹۵۲ به منظور تکمیل قانون مناطق گروهی و جدا کردن هر چه بیشتر نژادها وضع گردید. طبق این قانون اماکن عمومی چون سینما، کتابخانه، استخر، توالتهای عمومی، رستورانها، مدارس و غیره همه براساس نژاد تقسیم شده و استفاده مشترک نژادها از تسهیلات ممنوع شد. برای مثال در هیچ یک از کافه‌های آفریقای جنوبی یک سفید پوست حق ندارد حتی یک فنجان چای با غیر سفید بنوشد و بالعکس، مگر اینکه اجازه مخصوص گرفته باشد. هر شخص رنگین پوست و سیاه پوستی که به یکی از سینماهای عمومی شهر برود، مرتکب جرم شده است. مگر اینکه اجازه مخصوص برای این کار داشته باشد. نژادهای غیرسفید حق رفتن به پارکهای عمومی و بیمارستانهای متعلق به سفیدها را ندارند و پزشکان تنها افراد هم نژاد خود را می‌توانند معاینه کنند.

(و) قانون کارت اجازه ورود:

طبق این قانون کلیه سیاهپوستان باید کتابچه‌ای حاوی مشخصات و محل موسسه‌ای که در آنجا کار می‌کنند، همراه داشته باشند، آنان نمی‌توانند در نقاطی غیر از محل یاد شده در کتابچه رفت و آمد کنند یا افراد خانواده خود را در آنجا سکنی دهند. سیاهان حتی اجازه کار در محل و موسسه دیگر را بدون اطلاع دفتر امور سیاهان ندارند.

(ز) قوانین هوم لند:

هوم لند سازی یا بانتوستان برای نخستین بار در سال ۱۹۱۲ توسط انگلیس مطرح شد. سپس در سال ۱۹۳۶ دولت بوئرها ۹۶ قطعه زمین برابر با ۱۳ درصد کل مساحت آفریقای جنوبی را به ۱۸ میلیون سیاهپوست مطابق با تقسیمات قبیله‌ای اختصاص داد. این سرزمین‌ها اغلب از هم مجزا و لم یزرع و غیر حاصلخیز و فاقد منابع طبیعی بود. در سال ۱۹۵۹ قانون اختیارات حکومتی سیاهان^۱ تصویب شد. نهایتاً در سال ۱۹۶۲ نخستین هوم لند بنام ترانسکای^۲ در جنوب کشور تشکیل شد. این هوم لند در امور داخلی خود مختار بوده، پارلمان، پرچم، سرود ملی و وزارتخانه مستقل در امور داخلی کشور داشت. در سالهای بعد ۹ سرزمین دیگر نیز به جمع سرزمین‌های خود مختار پیوستند. این هوم لندها عبارت بودند از: سیسکای^۳، کوازولو^۴، لبووا^۵، وندا،

^۱-The promotion of Bantu Self – Government ACT

^۲-Transkei

^۳-Ciskei

^۴-Kwazulu

^۵-Lebowa

گازانکولو^۱، کواکو^۲، بوپوتسوانا^۳، کانگوانه^۴، کولندله^۵.

در فاصله سالهای ۱۹۶۷ و ۱۹۸۱ دولت آفریقای جنوبی به چهار حکومت ترانسکای (۲۶ اکتبر ۱۹۷۶)، بوپوتسوانا (دسامبر ۱۹۷۷)، ونسدا (۱۳ سپتامبر ۱۹۷۹) و سیسکای (۴ دسامبر ۱۹۸۱) استقلال کامل اعطا و آنها را حکومت مستقل نامید. هیچ دولت و یا سازمان بین‌المللی این دولت‌ها را به رسمیت نشناخته و هیچگونه رابطه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی یا آنها برقرار نکردند. تنها نماینده آفریقای جنوبی در این سرزمین‌ها مقیم شد.

سیاست آپارتاید را می‌توان در ایجاد تبعیض نژادی در زمینه‌های مختلف اجتماعی، سکونت، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی مورد بررسی قرار داد. قوانین و مقرراتی که در زمینه‌های مذکور وضع و به اجرا درآمد، چهره تمام عیار آپارتاید را ترسیم می‌کند.^(۱۳)

الف) تبعیض اجتماعی:

در این زمینه برخی از قوانین مطرح می‌شود. *قوانین فزبنگی*

- ۱ - قانون ممنوعیت ازدواج *ال جامع علوم انسانی*
- ۲ - قانون ضد اخلاق روابط خلاف اخلاقی و اصلاح آن
- ۳ - قانون تفکیک تسهیلات عمومی

^۱-Gazankolou

^۲-Kavaku

^۳-Bophuthatswana

^۴-Kangwana

^۵-KwaNdeble

۴ - قانون ثبت جمعیت

ب) تبعیض نژادی بر اساس محل سکونت^۱

۱ - قانون مناطق گروهی

ج) تبعیض فرهنگی^۲

برای اینکه اختلاط و امتزاج میان فرهنگ سفیدپوستان و سیاه پوستان ایجاد نگردد، قوانین ذیل به تصویب و اجرا درآمدند.

۱ - قانون آموزش سیاهان بانتو

۲ - قانون توسعه آموزش دانشگاهها

قبل از تصویب دو قانون فوق الذکر هیچگونه امکانات آموزش دولتی برای سیاه پوستان وجود نداشته و تنها مدارس مسیونرهای مسیحی در میان سیاه پوستان فعال بودند.

د) تبعیض اقتصادی^۳

۱ - قانون کارگران بومی گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۲ - قانون رفع اختلافات صنعتی^۴ (۱۹۵۶)

۳ - قانون شرکتهای بومی و قانون زمین

۴ - قانون بکارگیری فیزیکی: بر طبق این قانون در مناطق فعالیتهای اقتصادی

سفیدپوستان هر فرد سفیدپوستی می تواند تنها سه کارگر سیاه پوست را به استخدام در

^۱-Residential Apartheid

^۲-Cultural Apartheid

^۳-The Economic Apartheid

^۴-The Industrial Conciliation Act

بیاورد. اجرای این قانون باعث گردید که تعداد کارگران ماهر سیاه پوست به حداقل رسیده و بیکاری در میان آنان افزایش یابد.

ه) تبعیض سیاسی^۱

هیچگونه موجودیتی برای سیاه پوستان در دولت و دستگاه حاکمیت وجود نداشت و حاکمان و دولتمردان کشور همگی باید سفید باشند.

۱ - قانون رای جداگانه

۲ - قوانین هوم لندها (قانون اختیارات سیاه پوستان (باتو) و قانون اختیارات

حکومتی سیاه پوستان.)

مبارزات مردمی

مبارزات مردم آفریقای جنوبی علیه استعمار گران و نژاد پرستان قوی ترین و عمیق ترین مبارزه در آفریقا است. مبارزه‌ای که معنای عمیق "قدرت از آن مردم است" را بخوبی درک کرده و الگوی نمونه مبارزه علیه استبداد و خودکامگی انسانها و تبعیض نژادی در همه سطوح و زمینه‌هاست. مبارزه مردم اصلی آفریقای جنوبی علیه سفید پوستان از همان زمان حضور آنان در این کشور است. از زمانی که مردم این کشور تحت سلطه سفید پوستان قرار گرفتند، مبارزه و مقاومت در میان آنان جوانه زد. اولین برخورد ثبت شده متعلق به برخورد هلندی‌ها با "بوشمن‌ها"^۲ بخاطر زمین بود.

تا قبل از آغاز قرن نوزدهم مقاومت سیاهپوستان در برابر سفیدها اکثرا بصورت

^۱-The Political Apartheid

^۲- Bushman

فصلنامه مطالعات آفریقا - بهار و تابستان ۱۳۸۳

قبیله‌ای بود. از اوایل قرن نوزدهم به بعد گروهها و سازمانهای سیاسی بصورت پراکنده فعالیت خود را شروع کردند. در سال ۱۸۵۶ اولین نشریه مربوط به وضعیت رقت بار سیاهپوستان بنام مجله "عقاید آفریقا" توسط اسقف نایلو موگاله چاپ شد. در سال ۱۸۸۲ اولین سازمان سیاسی آفریقاییان در ناحیه کیپ شرقی تشکیل شد. هدف این سازمان مقابله و مقاومت در برابر استعمارگران سفیدپوست بود، ولی توفیقی نیافت. در همان سال "اتحادیه آفریقاییان" بوجود آمد. مهاتما گاندی رهبر مردم هندوستان در ۱۸۹۳ وارد آفریقای جنوبی شد. وی در سال ۱۸۹۴ کنگره هندیان ناتال NIC^۱ و بطور کلی فلسفه موسوم به سیاست منفی از طریق ابزار غیر خشن را پدید آورد. در سال ۱۹۰۲ "سازمان خلق آفریقا APO^۲ فعالیت خود را آغاز کرد.

دو سال بعد از تشکیل اتحادیه آفریقای جنوبی یعنی در سال ۱۹۱۲ گروهی از تحصیلکردگان سیاهپوست تشکیلاتی بنام کنگره ملی بومیان آفریقای جنوبی SANNC^۳ بنا نمودند که پایه تشکیل دیگر سازمانها شد. کنگره در ابتدای فعالیت معتقد به مبارزات پارلمانی از طریق نمایندگان سفید پوست طرفدار خود که در آن هنگام ۷ نفر بودند، بود. هدف اولیه کنگره بومیان آفریقای جنوبی تشکیل یک ملت واحد، مخالفت با محرومیت سیاهپوستان از حق رای و انتخاب و قانون زمین مصوب ۱۹۱۳ بود. اولین فعالیت علنی و عمده این کنگره مخالفت با قانون برگ عبور در سال ۱۹۱۹ بود. SANNC در سال

^۱. Natal Indian Congress

^۲. African Peoples Organisation

این سازمان ابتدا به نام سازمان سیاسی آفریقا African Political Organization بود، ولی بعداً به سازمان خلق آفریقا تغییر نام یافت.

^۳. South African Native National Congress

۱۹۲۳ به کنگره ملی آفریقا ANC تغییر نام یافت. ANC مبارزات سیاسی خود را با بسیج سیاهپوستان و هدایت اعتصابات و تظاهرات متعدد ادامه داد. در همین سال "کنگره هندیان آفریقای جنوبی SAIC^۱ تاسیس شد.

در سال ۱۹۵۵ ANC دست به ائتلاف با حزب کمونیست آفریقای جنوبی SACP^۲، کنگره هندیان ناتال، کنگره رنگین پوستان^۳ و کنگره دمکراتها^۴ زده و کنگره متحدین^۵ را بوجود آورد. این کنگره در ۲۵ و ۲۶ ژوئن ۱۹۵۵ اقدام به برگزاری کنفرانسی تحت عنوان "کنگره خلق"^۶ نمود. بیش از سه هزار نماینده از سراسر کشور در این کنفرانس که در استادیوم ورزشی شهرک "کیپ تاون"^۷ برگزار شد، شرکت نمودند. کنفرانس مذکور برنامه "منشور آزادی"^۸ ANC را تصویب کرد.

منشور آزادی همانند دیگر اسناد سیاسی با دوام نظیر اعلامیه استقلال آمریکا، اعلامیه حقوق بشر فرانسه و بیانیه کمونیسم ترکیبی از اهداف عملی و قطعات ادبی شاعرانه است. این سند سیاسی دوری از تبعیض نژادی و نیل به برابری حقوق همگان را تحسین می کند و به تمامی افرادی که آزادی را در آغوش می گیرند تا در ساختن یک

^۱ South African Indian Congress

^۲ حزب کمونیست آفریقای جنوبی که قدیمی ترین حزب کمونیست آفریقا است، در سال ۱۹۲۱ توسط گروهها و احزاب سوسیالیست و به هدف ساقط کردن کاپیتالیسم و برقراری حکومت سوسیالیستی بوجود آمد.

^۳ Coloured Peoples organisation

^۴ Congress of Democrats

^۵ -Congress Alliance

^۶ - Congress of the People

^۷ - Kiptown در نزدیکی شهر ژوهانسبورگ

^۸ - Freedom Charter

آفریقای جنوبی دمکراتیک و غیر نژاد پرست سهیم شوند، خوش آمد می‌گوید. منشور آزادی امید و آرزوی مردم را روی کاغذ به ثبت رساند و الگویی برای مبارزات آزادیبخش و آینده ملت آفریقای جنوبی بود. در منشور آزادی آمده بود که مردم آفریقای جنوبی بیانیه زیر را مورد قبول قرار داده و درباره اجرای آن با تمام قوا کوشش خواهند کرد. آفریقای جنوبی به تمام کسانی تعلق دارد که در آن زندگی می‌کنند، چه سفید باشد و چه سیاه. هیچ حکومتی نمی‌تواند قدرت خود را بر خلاف اراده و خواست مردم برقرار نماید. منشور سپس چنین نتیجه می‌گرفت: ^(۱۴)

- ۱- این مردمند که باید حکومت نمایند. (حکومت از آن مردم است)
- ۲- تمام گروه‌های نژادی از لحاظ قانون متساوی الحقوق می‌باشند.
- ۳- ثروتهای کشور به تمام مردم تعلق دارد.
- ۴- زمین به کسی تعلق دارد که روی آن کار می‌کند.
- ۵- تمام مردم در مقابل قانون برابرند.
- ۶- حقوق بشر به تمام مردم تعلق دارد.
- ۷- حق کار و امنیت شغلی عمومی است.
- ۸- آموزش و پرورش آزاد است.
- ۹- حق انتخاب مسکن آزاد و امنیت آن مورد تضمین است.
- ۱۰- حق انتخاب مذهب آزاد است.
- ۱۱- صلح و دوستی همگانی است.

ائتلاف کنگره ملی آفریقا با دیگر احزاب موجب ایجاد اختلاف داخلی شده و متعاقب اختلافات داخلی کنگره در طول سالهای ۹ - ۱۹۵۷ سرانجام عده‌ای از اعضای



سازمان در تاریخ ۶ آوریل ۱۹۵۹ رسماً از ANC جدا و کنگره پان آفریکن PAC اعلام موجودیت نمود. با اوج گیری مبارزات مردم علیه حکومت نژادپرستی در ۱۹۶۰ که منجر به قیام "شارپ ویل"^۲ در ۲۱ مارس این سال و کشته شدن ۶۹ نفر و زخمی شدن ۱۸۰ نفر از تظاهر کنندگان بوسیله پلیس شد. دولت سازمانهای ANC و PAC را غیرقانونی اعلام کرد. ANC به مدت یک سال برای حق قانونی اش مبارزه کرد و چون در این راه موفقیتی کسب نکرد در ۱۶ دسامبر ۱۹۶۱ شاخه نظامی خود را بنام "نیزه ملت"^۳ و به فرماندهی نلسون ماندلا تشکیل نمود. PAC نیز شاخه نظامی خود را بنام POQO (بمعنای خلوص یا اصالت) که بعدها به ارتش آزادیبخش خلق آزانیا APLA^۴ تغییر نام یافت، تشکیل داد.

در روز ۱۶ ژوئن ۱۹۷۶ دانش آموزان سیاهپوست در شهرک سووتو واقع در بیست کیلومتری ژوهانسبورگ در اعتراض به اجباری شدن زبان آفریکانز در مدارس از حضور در کلاس درس خودداری کردند. اعتراض از حد مدارس فراتر رفته و سراسر سووتو را فرا گرفت. نیروهای نظامی و امنیتی به تظاهر کنندگان حمله نمودند و گفته می شود قریب به یک هزار نفر که اکثریت آنها را کودکان و دانش آموزان تشکیل می دادند، کشته و زخمی شدند.

دو سازمان فوق الذکر پس از غیرقانونی شدن در دو بعد نظامی و سیاسی فعالیت چشمگیری داشتند. ستاد مرکزی هر دو سازمان به خارج منتقل و هر دو بعنوان عضو

^۱ Pan - African Congress

^۲ شهری در نزدیکی ژوهانسبورگ

^۳ Umkhanto We Sizwe

^۴ Azanian People's Liberation Army

سازمان وحدت آفریقا و سازمان ملل متحد پذیرفته شده و به فعالیتهای دیپلماتیک دست زدند. شاخه‌های نظامی هر دو سازمان و چند گروه دیگر هر چند یکبار به فعالیتهای نظامی در داخل خاک آفریقای جنوبی اقدام می‌نمودند.

در تاریخ سه دهه قبل از دهه نود، در آفریقای جنوبی کمتر روزی وجود داشته که این کشور شاهد تظاهرات خونین نبوده باشد. می‌توان گفت مبارزات مردم این کشور در دهه ۸۰ و نیمه اول دهه ۹۰ عناوین خبری دائمی روزنامه‌های جهان درآمده و اخبار ناآرامی‌ها و تحولات آن هر روز در سطح جهانی منعکس می‌شد.

اقدامات بین‌المللی

همزمان و همگام با مبارزه مردم آفریقای جنوبی مبارزه تبلیغاتی و سیاسی وسیعی در سطح بین‌الملل علیه سیاست تبعیض نژادی و آپارتاید صورت گرفت. فشارهای بین‌المللی در دوران حاکمیت مطلق آپارتاید بر آفریقای جنوبی سهم عمده‌ای در سقوط آن داشت. تحریم‌های اقتصادی، سیاسی و بین‌المللی علیه حکومت نژاد پرست همراه با مبارزات و استقامت مردم محروم و مستضعف این کشور، تحولات عمده‌ای که به فروپاشی آپارتاید منجر شد را بوجود آورده است.

الف) سازمان ملل متحد

سیاستهای نژادپرستانه آفریقای جنوبی از سال ۱۹۴۶ هنگامی که دولت هند از قوانین این کشور علیه هندیهای مقیم آفریقای جنوبی شکایت نمود، در سازمان ملل متحد به بحث گذارده شد. در دهه ۱۹۵۰ مجمع عمومی با استناد به اصول منشور ملل متحد بارها از دولت آفریقای جنوبی خواست تا سیاست آپارتاید را کنار بگذارد، اما دولت مزبور با

رد درخواستها، تقاضاها و قطعنامه‌های شورای امنیت و مجمع عمومی اظهار می‌داشت که تصمیمات سازمان ملل غیرحقوقی، غیرقابل قبول و با اصل عدم مداخله در امور داخلی آن کشور مغایر است.

اهم اقداماتی که توسط سازمان ملل از سال ۱۹۶۰ تا زمان سقوط آپارتاید در

رابطه با مسئله تبعیض نژادی در آفریقای جنوبی انجام شده است، بشرح ذیل می‌باشد:

۱ - بدنبال قتل عام شارپ ویل در سال ۱۹۶۰ که منجر به کشته شدن ۶۹ نفر و مجروح شدن ۱۸۰ نفر دیگر گردیده و توجه عموم مردم جهان را برانگیخت، شورای امنیت در آوریل ۱۹۶۰ ادامه سیاست تبعیض نژادی آفریقای جنوبی را خطری برای صلح و امنیت بین‌المللی اعلام کرده و از دولت این کشور خواست تا سیاست تبعیض نژادی را کنار بگذارد.

۲ - در سال ۱۹۶۲ مجمع عمومی سازمان ملل اعلام نمود که آفریقای جنوبی درخواستها و تقاضاهای مجمع و شورای امنیت را نپذیرفته است. لذا از تمام کشورهای عضو خواست که روابط دیپلماتیک خود را با این کشور قطع نمایند و ضمن تحریم تولیدات این کشور، از صدور کالاهای خود از جمله تسلیحات به آفریقای جنوبی امتناع ورزند. بنادر و فرودگاههای خود را نیز بر روی کشتی‌ها و هواپیماهای این کشور ببندند.

۳ - در سال ۱۹۶۲ مجمع عمومی نهاد (هیئت) ویژه‌ای را برای بررسی سیاستهای نژادپرستانه در آفریقای جنوبی تاسیس نمود. این نهاد از سال ۱۹۷۴ تحت عنوان " کمیته ویژه مبارزه با آپارتاید" بکار خود ادامه داد و ماموریت داشت تا گزارش کار خود را به مجمع و شورای امنیت تسلیم نماید. این کمیته با اعزام هیئتهای مشورتی، برگزاری کنفرانسها و سمینارها و اجرای قطعنامه‌های سازمان ملل، خصوصا از طریق ترویج تحریمهای ورزشی، فرهنگی و غیره کار خود را دنبال نمود. این کمیته با همکاری "

کانون مبارزه با آپارتاید" که در سال ۱۹۷۶ تاسیس شد، از دولتها، سازمانهای بین‌المللی و منطقه‌ای، اتحادیه‌های تجاری، رهبران مذهبی، جنبش‌های جوانان و گروههای ضد نژاد پرستی کمک گرفت تا افکار جهان را در جهت حمایت از قطعنامه‌های سازمان ملل علیه آپارتاید بسیج نماید.

۴ - در سال ۱۹۶۳ شورای امنیت، آفریقای جنوبی را تحریم تسلیحاتی داوطلبانه نموده و از کلیه کشورها خواست تا فروش و ارسال انواع اسلحه، مهمات و خودروهای نظامی به آن کشور را متوقف سازند. همچنین از این کشور خواسته شد تا بدون قید و شرط افرادی را که بجرم مبارزه علیه آپارتاید زندانی نموده، آزاد کند.

۵ - مجمع عمومی در اقدامی برای جلب کمک به قربانیان آپارتاید در سال ۱۹۶۵ "صندوق اعتبار سازمان ملل برای آفریقای جنوبی" را تاسیس نمود. این صندوق براساس کمک‌های داوطلبانه‌ای که به آن اعطاء می‌شد، بنا نهاده شده بود. کمک‌های موجود در صندوق به سازمانهایی داده می‌شد و این سازمانها به افرادی که تحت تعقیب دولت آفریقای جنوبی بوده و یا پناهنده شده بودند و بستگانشان کمک می‌کردند.

۶ - در سال ۱۹۶۶ مجمع عمومی بمناسبت واقعه شارپ ویل، ۲۱ مارس ۱۹۶۰ را بعنوان روز بین‌المللی محو تبعیض نژادی اعلام کرده و هر ساله مراسمی در این روز برگزار می‌شد.

۷ - در سال ۱۹۶۷ برنامه آموزش و پرورش سازمان ملل برای جنوب آفریقا توسط مجمع عمومی آغاز گردید. بموجب این برنامه معلمانی در اختیار دانش آموزانی که از آفریقای جنوبی و نامیبیا به خارج رفته بودند، قرار داده می‌شد؛ و همچنین بورس تحصیلات عالی برای دانشجویان محروم این دو کشور اختصاص می‌یافت.

۸ - در سال ۱۹۷۰ شورای امنیت ضمن محکوم کردن نقض تحریم‌ها، از کلیه کشورها خواست تا این تحریم‌ها را بدون قید و شرط اجرا نمایند. مجمع عمومی سازمان نیز مجدداً

از کشورها خواست تا به روابط رسمی و همکاریهای خود با آفریقای جنوبی پایان دهند. این مجمع همچنین ایجاد هوم لندها را بعنوان نقض حقوق آفریقاییان محکوم کرد.

۹ - در سال ۱۹۷۳ شورای امنیت در اجلاسی در آدیس آبابا مشروعیت مبارزات ضد آپارتاید را به رسمیت شناخت و از کلیه کشورها خواست تا تحریم تسلیحاتی علیه آفریقای جنوبی را رعایت کنند.

۱۰ - در سال ۱۹۷۳ مجمع عمومی "میشاق بین الملل توقیف و مجازات آپارتاید" را تصویب نمود که در سال ۱۹۷۶ به اجراء درآمد. مجمع همچنین صندوق کمک به تبلیغات علیه آپارتاید را تاسیس کرد این صندوق از سال ۱۹۷۵ شروع بکار کرد.

۱۱ - در سال ۱۹۷۴ مجمع عمومی از نمایندگان سازمانهای آزادیبخش آفریقای جنوبی که توسط سازمان وحدت آفریقا برسمیت شناخته شده بودند (ANC و PAC) دعوت کرد تا بعنوان ناظر در بحثهای مربوط به آپارتاید شرکت کنند. این دو سازمان بعداً به عنوان نماینده اکثریت سیاهپوستان آفریقای جنوبی شناخته شده و از آنها دعوت شد تا در جلسات مجمع بعنوان ناظر شرکت کنند. در مقابل مجمع عمومی ضمن رد اعتبار نامه هیئت نمایندگی آفریقای جنوبی از شرکت آنها در جلسات مجمع ممانعت بعمل آورد و پیشنهاد نمود این کشور تا زمانی که بر ادامه سیاست آپارتاید اصرار می‌ورزد از شرکت در کلیه سازمانها و کنفرانسهای بین‌المللی که تحت نظارت سازمان ملل برگزار می‌شوند، محروم گردد.

۱۲ - در سال ۱۹۷۶ شورای امنیت تجاوز آفریقای جنوبی به آنگولا و زامبیا را تحت عنوان نقض آشکار حاکمیت و تمامیت ارضی این کشور محکوم کرد.

۱۳ - در ژوئن سال ۱۹۷۶ متعاقب کشتار سوتو، شورای امنیت دولت آفریقای جنوبی را محکوم نمود. مجمع عمومی نیز ۱۶ ژوئن را بعنوان روز بین‌المللی همبستگی با مردم مبارز

آفریقای جنوبی نامگذاری کرد. یازده اکتبر همین سال را نیز بعنوان روز همبستگی با زندانیان سیاسی در آفریقای جنوبی اعلام نمود.

۱۴ - در یازده اکتبر ۱۹۷۶ مجمع عمومی استقلال هوم لند ترانسکای را رد کرد و از کلیه کشورها خواست تا این کشور و دیگر هوم لندها را برسمیت نشناسند. لذا هیچ یک از هوم لندها نتوانستند در سطح بین‌المللی از لحاظ دیپلماتیک برسمیت شناخته شوند.

۱۵ - در چهارم نوامبر ۱۹۷۷ شورای امنیت تحریم داوطلبانه عملیاتی بر ضد آفریقای جنوبی را اجباری اعلام نمود. این اولین بار بود که چنین اقدامی براساس فصل ۷ منشور علیه یکی از اعضا اتخاذ گردید.

۱۶ - در دسامبر ۱۹۷۷ مجمع عمومی اعلامیه بین‌المللی ضد آپارتاید در زمینه ورزش را به تصویب رساند. به موجب این اعلامیه از کلیه کشورها خواسته شد تا برای توقف ارتباطات ورزشی با هر کشوری که سیاست آپارتاید را اعمال می‌کند و همینطور برای محروم و اخراج کردن چنین کشوری از دستگاههای ورزشی منطقه‌ای و بین‌المللی اقدامات مقتضی معمول دارند. مجمع عمومی همچنین از شورای امنیت خواست تا تحریم‌های اقتصادی علیه آفریقای جنوبی را بررسی نماید.

۱۷ - در سال ۱۹۷۸ مجمع عمومی این سال را بعنوان سال بین‌المللی ضد آپارتاید و روز ۲۱ مارس را بعنوان روز بین‌المللی محو تبعیض نژادی اعلام کرد.

۱۸ - در ژانویه ۱۹۷۹ مجمع عمومی از شورای امنیت خواست تا براساس منشور ملل متحد تحریم‌های نفتی علیه آفریقای جنوبی را بررسی کند.

۱۹ - کنفرانس بین‌المللی تحریم‌ها علیه آفریقای جنوبی در می ۱۹۸۱ در پاریس درخواست کرد تا اقدامات بین‌المللی برای در انزوا قرار دادن آفریقای جنوبی از طریق اعمال تحریم‌ها براساس فصل ۷ منشور ملل متحد، افزایش یابد.

۲۰ - مجمع عمومی در ۹ اگوست ۱۹۸۱ تصمیم گرفت تا اعتراض زنان به قوانین آفریقای جنوبی در سال ۱۹۵۴، بعنوان روز بین‌المللی همبستگی با زنان مبارز آفریقای جنوبی و نامیبیا نامگذاری شود.

۲۱ - در سال ۱۹۸۱ مجمع عمومی سال ۱۹۸۲ را بعنوان سال بین‌المللی بسیج تحریم‌ها علیه آفریقای جنوبی نامگذاری کرد. در این سال افکار عمومی جهانی برای حمایت از اعمال تحریم‌های همه جانبه علیه آفریقای جنوبی و تشویق کشورها در رعایت این تحریم‌ها بطور انفرادی و جمعی بسیج شد.

۲۲ - مجمع عمومی در سال ۱۹۸۳ کلیه پیشنهادات قانون اساسی و سایر مسایل مربوط به حاکمیت اقلیت سفیدپوست در این کشور را رد کرد. این مجمع ریشه کن کردن آپارتاید از طریق برگزاری یک انتخابات عمومی با شرکت کلیه نژادها و براساس حاکمیت اکثریت را تنها راه حل وضعیت آفریقای جنوبی معرفی کرد.

۲۳ - در ژوئن ۱۹۸۴ کمیته ویژه ضد آپارتاید و کنفرانس آمریکای لاتین برای اقدام علیه

آپارتاید در نیویورک تشکیل شد. *شورای امنیت سازمان ملل*

۲۴ - در مارس ۱۹۸۵ شورای امنیت سازمان ملل رژیم پرتوریا را برای کشتار مردم بی دفاع آفریقایی که علیه اخراج اجباری آنها اعتراض کرده بودند و همچنین دستگیری تعدادی از اعضای سازمانهای ضد آپارتاید قویا محکوم کرد.

۲۵ - در ژوئن ۱۹۸۶ شورای امنیت با انتشار بیانیه‌ای برقراری حالت فوق‌العاده در سراسر آفریقای جنوبی را محکوم کرد و خواستار پایان هر چه سریعتر آن شد. تلاشهایی که در شورای امنیت در جولای ۱۹۸۶ برای اعمال تحریم‌های اقتصادی و غیره انجام شد، ناموفق بود. شورای امنیت در نوامبر همین سال از کشورها خواست تا مطمئن شوند اقلامی که مورد تحریم قرار گرفته از طریق کشورهای ثالث به نیروهای نظامی یا پلیس

آفریقای جنوبی نمی‌رسد. این شورا از کشورها دعوت کرد تا موارد نقض تحریم تسلیحاتی را جستجو نمایند. در نوامبر همین سال مجمع عمومی از دولت آمریکا، انگلیس و سایر کشورهایی که مخالف اعمال تحریم‌هایی همه جانبه بودند، خواست تا مواضع خود را تغییر دهند. مجمع همچنین یک گروه بین‌الدولی برای نظارت بر عرضه و بارگیری نفت و فرآورده‌های نفتی به آفریقای جنوبی تشکیل داد.

۲۶ - مجمع عمومی در نوامبر ۱۹۸۷ از کشورهای عضو دعوت کرد تا به منظور اجرای دقیق تحریم‌ها و مجازات افراد و شرکتهایی که تحریم‌ها را نقض می‌کنند، اقدامات هماهنگ کننده انجام دهند.

۲۷ - در چهارم آوریل ۱۹۸۸ کنوانسیون بین‌المللی علیه آپارتاید در زمینه ورزش به مرحله اجرا گذاشته شد. کشورهای عضوین کنوانسیون در ۲۳ مارس ۱۹۸۹ اعضای کمیسیون ضد آپارتاید در زمینه ورزش را تعیین کردند.

۲۸ - در دسامبر ۱۹۸۸ مجمع عمومی از روابط اقتصادی بعضی از کشورها با آفریقای جنوبی انتقاد کرد. مجمع از این کشورها خواست تا به روابط تجاری خود با این کشور پایان دهند.

۲۹ - در سال ۱۹۹۱ در پی اصلاحات انجام شده توسط دی کلرک، سازمان ملل متحد طی قطعنامه‌ای از کشورهای جهان خواست تا به تحریم‌های علمی، فرهنگی، ورزشی، دانشگاهی علیه آفریقای جنوبی پایان دهند.

۳۰ - در سال ۱۹۹۳ سازمان ملل متحد طی قطعنامه‌ای از کلیه کشورها خواست تا به کلیه تحریم‌ها بجز تحریم‌های سیاسی و تسلیحاتی علیه آفریقای جنوبی پایان دهند. شایان ذکر است که تحریم‌های سیاسی و تسلیحاتی تا زمان برگزاری اولین انتخابات غیرنژادی در آفریقای جنوبی (۲۶ تا ۲۹ آوریل ۱۹۹۴) ادامه داشت.

با برگزاری انتخابات در موعد مقرر سازمان ملل طی قطعنامه‌ای باقیمانده تحریم‌های اعمال شده علیه این کشور را لغو کرد. بدین ترتیب سازمان ملل با سالها تلاش هماهنگ، در ایجاد اتفاق نظر بین‌المللی برای محو آپارتاید نقش حیاتی را ایفا کرد.^(۱۵)

ب) سازمان وحدت آفریقا و کشورهای منطقه

در طول دوران حاکمیت آپارتاید بر آفریقای جنوبی، سازمان وحدت آفریقا به‌همراه اکثر کشورهای آفریقای خصوصا کشورهای جنوب آفریقا سعی می‌کردند آفریقای جنوبی را وادار به تغییر سیاستهای نژاد پرستانه اش نمایند. اهم اقداماتی که کشورهای منطقه در این زمینه انجام دادند به شرح ذیل می‌باشد:

۱ - سازمان وحدت آفریقا که در سال ۱۹۶۳ بنیانگذاری شده بود از تمام اعضای خود درخواست کرد که از هر گونه رابطه‌ای با آفریقای جنوبی خودداری کنند و با هیچ یک از هوایماهای آن کشور مسافرت نکرده و اجازه استفاده از خاک و فرودگاه خود برای فرود آمدن و یا عبور هوایماهای این کشور را ندهند و فضای کشورهای خویش را بر روی آنها ببندند و تقاضای خود مبنی بر قطع کلیه روابط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی با آفریقای جنوبی از طرف کشورهای آفریقایی را شدت بخشند. همچنین در جهت کمک رسانی و آموزش نظامی مبارزان آفریقای جنوبی که علیه رژیم آپارتاید می‌جنگند به توافق رسیدند.^(۱۶)

۲ - کمیته آزادیبخش سازمان وحدت آفریقا در سال ۱۹۶۴ تشکیل و شروع به حمایت و کمک‌های مالی از ANC و PAC نمود.

۳ - در ژوئن ۱۹۷۳ دولتهای آفریقایی که در آدیس آبابا جمع شده بودند، اعلامیه‌ای را در

مورد قبول قرار دادند که اهم مطالب آن عبارت بود از: مشروع بودن جنبش مردم آفریقای جنوبی برای بدست آوردن حقوق خود و همچنین قبول استقلال بدون قید و شرط، این حقوق برای جنبش‌هایی که بر ضد استعمارگران وجود دارد، مورد قبول و موافقت کلیه اعضاء سازمان است. شورای وزیران همچنین تاکید نمود تمام اعضای اتحادیه کشورهای آفریقایی به اجبار باید از هرگونه ارتباطی که با این اعلامیه مغایرت داشته باشد خودداری نمایند و همچنین تصمیم گرفته شد برای حل مساله استعمار و امتیازات نژادی حاصل از آپارتاید، سازمانی از اعضاء اتحادیه بوجود آید که با جنبش‌های آزادیخواه در این سرزمین در ارتباط باشد. شورای وزیران همچنین اظهار داشت که تمام پیشنهادات درمورد مذاکره کشورهای آزاد آفریقا با رژیم اقلیت نژادپرست آفریقای جنوبی، مانوری است از طرف این رژیم که موجب اختلاف و تشتت آرای کشورهای آفریقایی گردد و باعث شکست در عقاید جهانی نسبت به سیاست منحوس آپارتاید شود و در پایان موجب خاتمه تحریم‌ها و اتمام انزوای این کشور گردد. و نیز تاکید داشتند که هیچ پایه‌ای برای صحبت و مذاکره قابل قبول با دولت نژاد پرست آفریقای جنوبی وجود ندارد و در وضعیت کنونی شورای (وزیران) به این نتیجه رسیده که باید از طریق کمک به جنبش‌های آزادی خواه این کشور و تا پیروزی کامل، وظایف خود را به انجام رساند.^(۱۷)

۴ - در ۱۹۶۹ چهارده کشور منطقه در لوزاکا برای بحث و تبادل نظر پیرامون اوضاع منطقه و آفریقای جنوبی گردهم آمدند. شرکت کنندگان در پایان بیانیه‌ای امضاء کردند که به بیانیه لوزاکا مشهور شد. در این بیانیه چنین آمده بود: اعمال حکومت آفریقای جنوبی چنان است که ما بقی کشورهای جهان مسئولیت دارند در دفاع از انسانیت قدمی بردارند.^(۱۸)

۵ - در ژوئن ۱۹۷۱، سازمان وحدت آفریقا علیه هرگونه رابطه با آفریقای جنوبی رای داد



و به طور ضمنی به حمایت از مبارزه مسلحانه برخاست.

۶ - کشورهای گروه خط مقدم جبهه، به منظور مقابله با سیاستهای تجاوزکارانه آفریقای جنوبی در دوران سیاه نژادپرستی در دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ سازمانهای منطقه‌ای جامعه توسعه جنوب آفریقا (سادک)^۱ و منطقه تجارت ترجیحی (پی. تی. آ)^۲ را برای گسترش همکاریهای اقتصادی و تجاری کشورهای منطقه، کاهش وابستگی‌های اقتصادی به آفریقای جنوبی و خودکفایی اقتصادی تشکیل دادند. گروه خط مقدم توانست تا حدی جلوی تجاوزات و عملیات تروریستی رژیم نژادپرست را بگیرد و از گروه‌های مبارز ضد تبعیض نژادی در داخل آفریقای جنوبی بطور همه جانبه حمایت کند. آفریقای جنوبی توسط گروه‌های مبارز دمکراتیک نظیر کنگره ملی آفریقا، کنگره پان آفریقا و نهضت آزادیبخش نامیبیا (سواپو) که در کشورهای همجوار مستقر بودند، مورد تهدید قرار گرفت. لهذا این رژیم همیشه سعی می‌نمود که با بکارگیری اهرم سیاست خارجی، کشورهای خط مقدم جبهه را در جهت کاهش حمایت از این جنبش‌ها متقاعد نماید. دستگاه سیاست خارجی آفریقای جنوبی که موفق شده بود در دهه ۱۹۷۰ روابطی با رهبران سه کشور مهم غرب آفریقا یعنی ساحل عاج، سنگال و لیبیا برقرار نماید^(۱۹)، موفقیت‌هایی در زمینه گفتگو با کشورهای منطقه نیز بدست آورد. در اگوست ۱۹۷۵ ملاقاتی میان جان فوستر نخست وزیر آفریقای جنوبی با کنت کائوندا رهبر زامبیا در قطاری در آبشار ویکتوریا انجام شد و محور مذاکرات بازگشایی خط راه آهن آفریقای جنوبی به زامبیا بود که شکست خورد. این اقدام کائوندا بشدت از سوی رهبران کشورهای آفریقای بویژه رابرت موگابه و جولوس نایرره محکوم شد، و بدینوسیله رگه‌هایی از تفرقه در میان وحدت آفریقا هویدا

^۱ - Southern African Development Community

^۲ - Preferential Trade Area for Eastern and Southern Africa

۷ - گفتگوهای پرتوریا با بعضی از رهبران آفریقایی و تلاشهایی که برای تنش زدایی منطقه صورت می‌گرفت، مورد انتقاد شدید مطبوعات آفریقا، جنبش‌های آزادیبخش و سازمان وحدت آفریقا قرار گرفت. شورای وزیران این سازمان در آوریل ۱۹۷۵ با صدور بیانیه دارالسلام بشدت اعمال رژیم نژاد پرست آفریقای جنوبی را محکوم کرد. در این بیانیه هرگونه ارتباطی با رژیم آپارتاید بی معنی و موجب اهانت و خواری شمرده شده و محکوم گردیده است.^(۲۱)

۸ - سازمان وحدت آفریقا در اکثر اجلاسهای خود اعمال رژیم حاکم بر آفریقای جنوبی را محکوم و بر حمایت خود از مبارزات مردمی در این کشور تاکید می‌نمود. سازمان‌های ANC و PAC نیز که از سوی سازمان وحدت آفریقا برسمیت شناخته شده بودند، بعنوان نماینده مردم آفریقای جنوبی در این اجلاس شرکت داشته و از حمایت و کمک‌های سازمان برخوردار بودند.

۹ - کشورهای منطقه که مسئله آپارتاید را نه مسئله آفریقای جنوبی، بلکه مسئله کل قاره آفریقا می‌دانستند، خود را موظف می‌دیدند که این آخرین قطعه قاره آفریقا را هم از عواقب و بقایای دوران استعمار خلاص نمایند. لذا به گروههای مبارز پناه داده و آنها را در مبارزه بر علیه آپارتاید تجهیز می‌کردند. بطوری که می‌توان گفت سفیدپوستان آفریقای جنوبی که در حلقه سیاهپوستان این کشور بودند، خود را در حلقه مضاعفی از دولتها و ملت‌های آفریقایی می‌دیدند. حلقه‌هایی که نهایتا آنان را مجبور نمود سیاست و روشهای خود را تغییر داده و در مسیر اصلاحات و سپردن حکومت به سیاهان قدم بردارند.

اضمحلال آپارتاید

آپارتاید در دوران حاکمیت پیتر ویلیام بوت^۱ که در سال ۱۹۷۸ به قدرت دست یافت.^۲ به اوج خود رسید. در مقابل مبارزات مردم آفریقای جنوبی و فشارهای بین‌المللی نیز شکل حادثتری به خود گرفت. بطوری که در حزب ملی نیز مخالفت‌هایی متوجه بوت شده و عده‌ای اصلاح طلب به رهبری دی کلرک در مقابل او ظاهر شدند. بوت^۱ در ژانویه ۱۹۸۹ مریض و راهی بیمارستان شد. پس از آن در ۱۴ اگوست همین سال از مقام خود استعفا و از قدرت کناره‌گیری کرد. دی کلرک در انتخابات پارلمانی ۱۹۸۹ به پیروزی رسید و بعنوان رئیس‌جمهور منصوب شد. پیروزی دی کلرک بمثابه پیروزی اندیشه اصلاح طلبانه بر تفکر متعصب برتری نژادی در کشور محسوب گردید.

دی کلرک در دوم فوریه ۱۹۹۰ در یک نطق پارلمانی اعلام کرد که بزودی دست به اصلاحات خواهد زد. وی قول داد که زندانیان سیاسی آزاد، احزاب غیرقانونی رسمی، قوانین نژاد پرستی لغو و انتخابات عمومی در سال ۱۹۹۴ برگزار خواهد شد. بدنبال این سخنان که با توجه به تحولات جهانی گفته شد، ماندلا و دیگر زندانیان آزاد و گروهها و احزاب قانونی از جمله ANC و PAC مشغول به فعالیت شدند. بعضی از قوانین مربوط به آپارتاید مانند قوانین ثبت جمعیت، زمین و غیره لغو و مذاکرات میان احزاب و دولت شروع شد و بدین سان مسیری که به نابودی آپارتاید و پیروزی مردم مظلوم آفریقای جنوبی انجامید آغاز گردید.

ذیلا بطور خلاصه تحولات پیش آمده از زمان پیروزی اصلاح طلبان برهبری

^۱ - Piter Willem Botha

^۲ آقای بوت^۱ در سال ۱۹۷۸ نخست وزیر و در سال ۱۹۸۳ رئیس‌جمهور آفریقای جنوبی شد.

دی کلرک تا نابودی کامل آپارتاید و انتخاب نلسون ماندلا بعنوان رئیس جمهور آفریقای جنوبی، مرور می‌گردند:

- در دوم فوریه ۱۹۹۰ ANC و PAC و حزب کمونیست آفریقای جنوبی اجازه یافتند فعالیت‌های خود را از سر بگیرند.
- در ۱۱ فوریه ۱۹۹۰ نلسون ماندلا پس از ۲۷ سال از زندان آزاد شد.
- در دوم می ۱۹۹۰ مذاکرات میان دولت سفیدپوست و ANC بطور رسمی آغاز شد.
- در ژوئن ۱۹۹۰ وضعیت اضطراری در کشور بجز منطقه ناتال لغو شد. در همین ماه قانون تسهیلات جداگانه کنسل شد.
- در ششم آگوست ۱۹۹۰ بدنبال موافقت دولت با آزاد کردن کلیه زندانیان سیاسی و عفو عمومی افراد در تبعید، ANC مبارزه مسلحانه خویش علیه دولت را به حال تعلیق درآورد.
- در آگوست و سپتامبر ۱۹۹۰ طرفداران کنگره ملی آفریقا و حزب آزادی اینکاتا IFP در نزدیکی ژوهانسبورگ با یکدیگر درگیر شدند. در نتیجه این درگیری‌ها ۸۰۰ نفر کشته شدند.
- در ۱۸ دسامبر ۱۹۹۰ دی کلرک کلیه تبعیدیان سیاسی را عفو نمود.
- در پنجم ژوئن ۱۹۹۱ کلیه قوانین مربوط به زمین که در نتیجه آن ۷۸٪ از زمین‌ها به سفیدپوستان تعلق گرفته بود، لغو گردید.
- قانون مناطق گروهی لغو شد.
- در ۱۷ ژوئن ۱۹۹۱ از سوی دولت اعلام شد که آپارتاید مرده است.
- در کنفرانس ملی ANC (۲ تا ۷ جولای ۱۹۹۱) ماندلا بجای اولیور تامبو به ریاست سازمان انتخاب شد.

- در ۱۴ سپتامبر ۱۹۹۱ دولت، ANC و IFP پیرامون شروع مذاکرات قانون اساسی به توافق رسیدند. در این روز ۲۳ گروه و حزب توافق آستی ملی NPA^۱ را امضا کردند دو گروه PAC و آزابو از امضای توافق خودداری کردند.
- در ۲۰ دسامبر ۱۹۹۱ "کنوانسیون آفریقای جنوبی دمکراتیک" "CODSA"^۲ گشایش یافت و مذاکراتی پیرامون قانون اساسی جدید کشور آغاز کرد، حزب محافظه کار و سایر گروههای دست راستی و PAC و سایر گروههای چپ مذاکرات را تحریم کردند.
- در ۲۰ فوریه ۱۹۹۲ دولت تاریخ ۱۷ مارس همین سال را بعنوان روز برگزاری فراندوم بین سفیدپوستان برای ارزیابی مخالفان و موافقان اصلاحات دی کلرک اعلام نمود.
- در هشتم مارس ۱۹۹۲ بوتای رئیس جمهور سابق از سفیدپوستان خواست در فراندوم رای منفی دهند. ماندلا از آنان خواست تا رای مثبت دهند.
- در ۱۷ مارس ۱۹۹۲ فراندوم برگزار و ۶۸/۷ درصد از سفیدپوستان به اصلاحات رای مثبت دادند. ۳۱/۲۲ درصد از رای دهندگان با ادامه اصلاحات مخالفت کردند. این یک پیروزی برای اصلاح طلبان برهبری دی کلرک و گروههای مبارز بود.
- در ۱۷ ژوئن ۱۹۹۲ تعداد ۴۰ نفر در یک قتل عام در نزدیکی ژوهانسبورگ کشته شدند. در پی آن پروسه مذاکرات به حال تعلیق درآمد.
- در اول آوریل ۱۹۹۳ گفتگوهای قانون اساسی پس از ۱۱ ماه وقفه از سر گرفته شد. در این دور از مذاکرات ۲۷ حزب و گروه و سازمان، آفریقای جنوبی آخرین دور

^۱ - National Peace Accord

^۲ - Convention For A Democratic South Africa

مذاکرات را بدون هیچ نام مشخصی شروع کردند.

- در دهم آوریل ۱۹۹۳ کریس هانی دبیرکل حزب کمونیست آفریقای جنوبی و فرمانده سابق شاخه نظامی ANC که یکی از حامیان مذاکرات بود، توسط سفیدیپوستان افراطی ترور شد. مذاکرات پس از دو هفته وقفه مجدداً از سر گرفته شد.
- در دوم ژوئن ۱۹۹۳ مجمع مذاکرات چند حزبی ۲۷ آوریل ۱۹۹۴ را بعنوان تاریخ اولین انتخابات غیرنژادی در کشور اعلام کرد.
- در دوم جولای ۱۹۹۳ مجمع مذاکرات تاریخ فوق را مورد تصویب قرار داد. اما حزب آزادی اینکاتا IFP به همراه چهار حزب و گروه دیگر که به گروه نگران آینده آفریقای جنوبی COSAG^۱ مشهور شدند، به بهانه اینکه فدرالی کردن کشور در قانون اساسی باید توسط شورای مذاکرات تضمین شود، محل مذاکرات را ترک کردند.
- در ۷ سپتامبر ۱۹۹۳ مجمع مذاکرات با تشکیل شورای اجرایی انتقال TEC^۲ موافقت کرد.
- در ۲۳ سپتامبر ۱۹۹۳ پارلمان آفریقای جنوبی لایحه شورای اجرایی انتقالی را تصویب نمود.
- در ۲۴ سپتامبر ۱۹۹۳ نلسون ماندلا طی نطقی در کمیته ضد آپارتاید سازمان ملل متحد از جامعه بین‌المللی خواست تا تحریم‌های تجاری (بجز نفتی و تسلیحاتی) علیه آفریقای جنوبی را بردارند.
- در ۱۸ اکتبر ۱۹۹۳ سازمان ملل کلیه تحریم‌های اقتصادی (بجز نفتی و تسلیحاتی) علیه آفریقای جنوبی را لغو کرد.

^۱ - Concerned South African Group

^۲ - Transition Executive Council

- در ۱۵ اکتبر ۱۹۹۳ ماندلا و دی کلرک جایزه صلح نوبل را دریافت کردند.
- در ۱۷ نوامبر ۱۹۹۳ احزاب مذاکره کننده در حضور ماندلا و دی کلرک با قانون اساسی موقت جدید آفریقای جنوبی موافقت کردند.
- در ۲۲ نوامبر ۱۹۹۳ قانون اساسی موقت مورد تصویب پارلمان آفریقای جنوبی قرار گرفت.
- در ۷ نوامبر ۱۹۹۳ شورای اجرایی انتقالی متشکل از مقامات سفید و سیاه آغاز به کار کرد.
- در ۹ دسامبر ۱۹۹۳ سازمان ملل کلیه تحریم‌ها بر علیه آفریقای جنوبی (بجز نظامی) را لغو کرد.
- در ۲۵ آوریل مجلس سفید پوستان برای آخرین بار تشکیل جلسه داد.
- در ۲۸ - ۲۶ آوریل ۱۹۹۴ اولین انتخابات غیرنژادی در آفریقای جنوبی برگزار شد که ANC با کسب بیش از ۶۲٪ آراء در انتخابات پیروز شد.
- در ۲۶ آوریل پرچم قدیم آفریقای جنوبی برای آخرین بار در ست قبل از نیمه شب پایین آورده شده و پرچم جدید دوران بعد از تبعیض نژادی برافراشته شد.
- در ششم می ۱۹۹۴ پارلمان جدید تشکیل و نلسون ماندلا رهبر کنگره ملی آفریقا را بعنوان رئیس جمهور انتخاب نمود.
- در دهم می ۱۹۹۴ نلسون ماندلا بعنوان اولین رئیس جمهور سیاه آفریقای جنوبی در حضور میهمانان خارجی و داخلی سوگند یاد کرد.
- در شانزدهم می ۱۹۹۴ اولین پارلمان همه نژادی آفریقای جنوبی با سخنان نلسون ماندلا رئیس جمهور رسماً آغاز بکار کرد.
- با استقرار دولت جدید، تبعیض نژادی (سیاسی) نیز خاتمه یافته و آپارتاید رسماً و

عملا در آفریقای جنوبی مضمحل شده و به تاریخ پیوست.

یک دهه پس از آپارتاید

همانگونه که ذکر شد، بدنال پیروزی اصلاح طلبان برهبری دی کلرک بر حزب ملی و دولت، پروسه انتقال حکومت از سیستم مبتنی بر آپارتاید به سیستم دموکراسی آغاز شد. این پروسه پس از فراز و نشیبهای فراوان و مذاکرات متعدد سرانجام به منزل مقصود رسید؛ و اولین انتخابات همه نژادی از ۲۶ لغایت ۲۸ آوریل ۱۹۹۴ تحت نظارت هزاران ناظر سازمان ملل و دیگر سازمانهای بین‌المللی و منطقه‌ای برگزار شد.^۱ نتیجه انتخابات همانطور که پیش بینی می‌شد، پیروزی قاطع کنگره ملی آفریقا ANC بود. این حزب از مجموع ۱۹۷۲۶۵۷۹ رای مأخوذه، بیش از ۱۲ میلیون و ۳۰۰ هزار رای و یا عبارت دیگر ۶۲/۵٪ آراء را بدست آورد. نزدیکترین رقیب این حزب، حزب ملی بود که تنها توانست ۲۰/۳۹٪ آراء را بدست آورد. کنگره ملی آفریقا ۲۵۲ کرسی از ۴۰۰ کرسی پارلمان را در اختیار گرفت و حزب ملی فقط ۸۲ کرسی بدست آورد. باتوجه به آراء کسب شده توسط احزاب، دولت وحدت ملی با حضور وزرای سه حزب کنگره ملی آفریقا، حزب ملی و حزب آزادی اینکاتا تشکیل شد.

دولت جدید برهبری نلسون ماندلا که از دهم می ۱۹۹۴ شروع بکار کرد، با مشکلات و چالشهای فراوانی روبرو بود. مشکلاتی که ناشی از حاکمیت طولانی آپارتاید بر این کشور بود. استقرار طولانی مدت سیستم آپارتاید در آفریقای جنوبی موجب گشت که یک جمعیت یک پارچه یا عبارت دیگر یک ملت واحد وجود نداشته باشد. آپارتاید هیچگاه

^۱ پنج دیپلمات ایران نیز در قالب ناظران سازمان ملل برای انتخابات نظارت داشتند.

به مردم آفریقای جنوبی اجازه نداد تا نژادهای مختلف با یکدیگر ترکیب شده و یک ملت واحدی را پدید آورند. در حقیقت آفریقای جنوبی آمیزه‌ای از نژادهای مختلف است. مردم این کشور بدون اینکه پیوند قلبی میان آنها باشد، بر اساس طبقه بندی‌هایی که رژیم نژاد پرست برای آنها ایجاد کرده بود، زندگی کرده بودند. لذا یکی از برنامه‌های دولت جدید ملت سازی بود.

سیستم آبارناید در طول حاکمیت خود شکل فرهنگی - اجتماعی تبعیض نژادی را در جامعه آفریقای جنوبی تثبیت کرد. فرهنگ تبعیض نژادی نه تنها موجب جدائی نژادها در مناسبات اجتماعی بوده، بلکه فراتر از آن ساختار فرهنگی فرد و جامعه را در این کشور تحت الشعاع قرار داد. این فرهنگ باعث ایجاد دو فرهنگ متضاد متغایر برتر و پست‌تر با مشخصات خاص خود شده است. سفید بعنوان نژاد برتر از کلیه امکانات و تسهیلات استفاده می‌کرد و نژاد سیاه بعنوان پست ترین نژاد از امکانات اولیه نیز محروم بود. سیاهپوستان از داشتن آموزش‌های تخصصی و اشتغال به کارهای فکری و تخصصی محروم بوده و بیشتر به کارهای یدی و پست اشتغال داشتند. لذا بهنگام روی کار آمدن دولت جدید بیش از ۵۰٪ مردم آفریقای جنوبی بی سواد بودند. هنوز هم درصد قابل توجهی از سیاهان از حداقل مایحتاج زندگی محروم بوده و در حلبی آبادها زندگی می‌کنند. آمارهای رسمی خبر از بیکاری ۳۲٪ از افراد آماده به کار می‌دهند. اما واقعیت بیانگر بیکاری حداقل ۴۰٪ از جمعیت فعال است. طبعاً در چنین جامعه‌ای نرخ جرائم، بزهکاری، قتل، سرقت و تجاوز بسیار بالاست.

ماندلا و دولتمردان وی برای از بین بردن اثرات اقتصادی - اجتماعی دوران

آبارناید مجبور به دخالت‌های کلیدی تر در سیاست‌های اقتصادی شده و سیاست‌های دولت در

۷ محور اصلی قرار گرفت:

۱- اقتصاد مختلط :

آفریقای جنوبی بیشتر از اقتصاد آزاد پیروی می‌کند و بخش خصوصی نقش اصلی را در اقتصاد این کشور دارد. اما دولت جدید به نحوی عمل کرد که می‌توان گفت اقتصاد مختلط شکل گرفت.

۲- برنامه اقدام مثبت^۱ :

این برنامه در حقیقت همان تعدیل نیروی انسانی در دستگاه‌های دولتی است. با این تفاوت که در آفریقای جنوبی بحث نژادی نیز مطرح بوده است. طبق این برنامه قرار شد تا پایان سال ۱۹۹۷ سیاهان ۵۰٪ کل بازار کار را تشکیل داده و ۵۰٪ بقیه به سفیدها، آسیائی‌ها، رنگین پوستان و مهاجرین خارجی واگذار شود.

۳- جذب کمک‌های خارجی؛

۴- جذب سرمایه گذاری خارجی؛

۵- گسترش صنایع کوچک و متوسط و کمک به آنها :

با توجه به ضعف بودن اکثریت سیاهپوستان این کشور، یکی از سیاست‌های دولت ایجاد و تقویت شرکت‌های سهامی و صنایع کوچک و حمایت از این شرکتها می‌باشد.

۶- توسعه صادرات؛

۷- برنامه توسعه و بازسازی (RDP)^۲

کنگره ملی آفریقا قبل از انتخابات ۱۹۹۴ برنامه توسعه و بازسازی را بعنوان طرح اصلی سازمان برای آینده کشور مطرح نمود. دولت وحدت ملی این برنامه را تصویب و طراح آنرا بعنوان مسئول اجرای برنامه منصوب نمود. این برنامه مجموعه‌ای از تدابیر

^۱ - Affirmative Action

^۲ - Reconstruction and Development Programme

اجتماعی و اقتصادی است که به یمن برابری سیاسی بدست آمده بعد از انتخابات، می‌کوشد تا پیامدهای مخرب دوران آبارتاید را محو نماید. این برنامه بدنبال کاهش فقر موجود و ایجاد رشد همه در یک جامعه باثبات است. اهداف اصلی و مهم این برنامه که مغز و شالوده تمام سیاستهای پس از ۱۹۹۴ می‌باشد، عبارتند از: اصلاحات ارضی، مسکن، توسعه روستائی، ساختمان سازی، برق رسانی، کنترل ایدز، توسعه کشاورزی خرده‌پا، توسعه بهزیستی، تغذیه مدارس ابتدائی، بهداشت رایگان، سرمایه گذاری، توسعه شهری، بهبود خدمات شهری، آموزش بزرگسالان و پروژه اطلاعات ملی. بطور کلی اهداف این برنامه در ۵ هدف دسته بندی می‌شود:

الف) برآورده کردن نیازهای اصلی؛

ب) ساخت اقتصاد؛

ج) دمکراتیک کردن جامعه و دولت؛

د) توسعه منابع انسانی؛

ه) ملت سازی.

دومین انتخابات غیر نژادی در ۱۹۹۹ برگزار شد. طبق گزارش کمیسیون مستقل انتخاباتی مجموع افراد واجد شرایط برای شرکت در انتخابات ۱۸ میلیون و چهارهزار و پانصد نفر بودند؛ و مجموع آراء شمارش شده ۱۵/۹۵۹/۳۶۵ رای بود. کنگره ملی آفریقا با کسب ۱۰/۶۰۱/۲۶۲ رای (۶۶/۳۶٪ آراء) به پیروزی رسید. حزب دمکراتیک با کسب ۹/۵٪ آراء دوم شد و حزب آزادی اینکاتا با ۸/۵۹٪ آراء به مقام سوم دست یافت. کنگره ملی آفریقا ۲۶۶ کرسی، حزب دمکراتیک ۳۸ کرسی و حزب اینکاتا ۳۴ کرسی از ۴۰۰ کرسی را بدست آوردند.

سومین انتخابات پس از تغییر رژیم آپارتاید و روی کار آمدن حکومت مردمی در آوریل ۲۰۰۴ برگزار شد. از مهم ترین چالش‌هایی که انتخابات سالجاری را تحت تاثیر قرار داده و در عین حال موقعیت مناسبی برای اعمال فشار مخالفین بر دولت ایجاد نموده بود، عبارت بودند از: بیکاری، فقر، بحران فراگیر ایدز، نا امنی، افزایش جرم و جنایت. اما با همه این مشکلات و چالش‌ها نتیجه انتخابات حاکی از رضایت مردم از عملکرد دولت و حزب حاکم بود. حزب حاکم ANC با کسب ۲۷۹ کرسی از ۴۰۰ کرسی مجلس و در حقیقت ۶۹/۶۸٪ آراء ماخوذه، توانست در انتخابات این کشور به یک پیروزی چشمگیر دست یابد.

در این انتخابات کنگره ملی آفریقا موفق شد برای اولین بار اکثریت را در تمام ایالت‌های این کشور بدست آورد و دولت‌های ایالتی را به تنهایی تشکیل دهد. با مقایسه نتایج سه دوره انتخابات پس از آپارتاید مشخص می‌شود که آراء کنگره ملی آفریقا سیر صعودی داشته و از ۶۲/۵٪ در ۱۹۹۴ به ۶۶/۳۶٪ در سال ۲۰۰۰ و ۶۹/۶۸٪ در سالجاری افزایش یافته است. این افزایش رای ضمن اینکه رضایت و علاقمندی مردم این کشور را نسبت به رهبران و کنگره ملی آفریقا نشان می‌دهد، بیانگر این نیز هست که آنها هنوز این رهبران را بهترین گزینه برای بهبود وضعیت خود می‌دانند.

دولت آفریقای جنوبی بمناسبت دهمین سالگرد انتخابات ۱۹۹۴، پایان اولین دهه آزادی و شروع دهه دوم گزارش کوتاهی در خصوص اقدامات و دستاوردهای یک دهه تلاش برای ایجاد زندگی بهتر و زدودن آثار دوران سیاه آپارتاید، منتشر نمود^(۳۳). بر اساس این گزارش طی ده سال گذشته زمینه‌های بروز سازندگی، شکوفائی اقتصادی، سازماندهی احزاب، فضای باز سیاسی، بهینه سازی وضعیت فرهنگی، اطلاعات و فناوری، تقویت بخش خصوصی و در نهایت دستیابی به آزادی‌های سیاسی و مدنی به منصفه ظهور

رسیده است. شکل گیری دولت، برگزاری انتخابات آزاد، ارائه خدمات و سرویس دهی گسترده در جامعه، مبارزه پیگیر با فساد بر اساس نهادهای تاسیس شده، برجسته شدن نقش زنان در جامعه، تعامل با دیگر کشورهای آفریقائی، آسیائی و اروپایی از دیگر دستاوردهای دوران پس از پیروزی بر آبارناید بوده است.

امتیازات اجتماعی که قبلا برای یک نژاد اختصاص داشت، به تمام کسانی که نیاز داشته و واجد شرائط باشند تعلق می گیرد. تعداد کسانی که از این امتیاز بهره مند هستند از ۲/۶ میلیون نفر در ۱۹۹۴ به ۵/۱ میلیون نفر در ۲۰۰۳ افزایش یافته است.

نرخ با سوادی بزرگسالان از ۸۳٪ در ۱۹۹۶ به ۸۹٪ در سال ۲۰۰۱ رسیده و برای افراد ۱۵ الی ۲۴ سال این نرخ از ۸۳٪ به ۹۶٪ رسیده است. و نرخ دیپلم گرفته‌ها از ۵۴٪ در ۱۹۹۶ به ۶۹٪ در ۲۰۰۲ رسیده است.

با اختصاص خدمات بهداشتی رایگان برای زنان و کودکان زیر شش سال، خدمات بهداشت اولیه توسعه یافته است. با ارتقاء و ساخت درمانگاههای جدید، ۷۰۱ درمانگاه به سیستم خدمات درمانی کشور افزوده شده است. برنامه تغذیه کامل که در ۱۹۹۴ برای ۸۹٪ دانش آموزان بود، حالا به ۹۴٪ یا ۴/۵۸ میلیون کودک رسیده است. مسئولیت دولت در مقابل HIV وایدز سرعت گسترش یافته و هزینه‌ها نسبت به سال ۱۹۹۴ ده برابر شده و از ۳۰ میلیون راند به ۳۴۲ میلیون راند افزایش یافته و تا سال ۲۰۰۵-۶ ده برابر شده و به ۳/۶ میلیارد راند افزایش می یابد.

بیش از ۱۹ میلیون یارانه برای خانه‌های جدید فراهم شده و ۴۸۰ هزار خانه ساخته شده در زمان آبارناید با تخفیف به ساکنین آنها منتقل شده است. دسترسی به ارتباطات سرعت افزایش یافته و تا سال ۲۰۰۱، ۲۲٪ از خانه‌ها تلفن دستی و ۴۲٪ تلفن ثابت داشتند. ۷۳٪ مردم در خانه رادیو و ۵۴٪ تلویزیون دارند.

فصلنامه مطالعات آفریقا - بهار و تابستان ۱۳۸۳

قوانین تبعیض نژادی لغو شده و مقررات جدید از جمله اصلاحات ارضی برای جلوگیری از جدائی اجتماعی وضع شده و گام‌هایی بسوی برابری جنسی برداشته شده است. از جمله این گام‌ها شناسائی از دواچه‌های قومی، تساوی شغل، شناسائی نام خانوادگی، اذیت جنسی و برنامه اقدام مثبت می‌باشد. برنامه‌های حمایت از افراد مسن، معلولین، کودکان و کارگران نیز تنظیم گردیده است.

سیاست‌های اقتصادی دولت از ۱۹۹۴ تقریباً موجب رشد دائم اشتغالی شده ولی متناسب با تعداد روزافزون متقاضیان کار نمی‌باشد. بین سالهای ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۲ تعداد کسانی که دارای شغل شدند، $\frac{۱}{۶}$ میلیون نفر رشد داشته و از $\frac{۹}{۶}$ میلیون نفر به $\frac{۱۱}{۲}$ میلیون نفر رسیده است. اما تعداد بیکاران نیز $\frac{۲}{۴}$ میلیون نفر رشد داشته است؛ چون تعداد بیشتری بدنبال کار هستند. در حالی که کارگران فاقد مهارت بیکار هستند، کمبود کارگرماهر در بخشهای زیادی وجود دارد.

کسری بودجه از $\frac{۹}{۵}\%$ در سال ۱۹۹۳ به یک درصد در سال ۲۰۰۲-۳ رسیده و بدهی دولت (بخش عمومی) از $\frac{۶۰}{۱۰۰}\%$ به $\frac{۵۰}{۱۰۰}\%$ کاهش یافته است. سرمایه‌گذاری در مقایسه با کشورهای در حال توسعه موفق، پائین می‌باشد؛ ولی در سه سال گذشته شروع به رشد کرده است. رشد منفی سرانه در دهه قبل از ۱۹۹۴ تغییر یافته و از آن زمان بطور میانگین سالانه تا $\frac{۲}{۸}\%$ رشد داشته است.

سازندگی بیشتر بر ارتباطات، انرژی، دفاع و حمل و نقل متمرکز بوده و هدف دستیابی گسترده به خدمات، کاهش هزینه‌ها و افزایش درآمد بمنظور کاهش بدهی عمومی (دولت) بوده است. همزمان اشتغال و گسترش تقویت اقتصادی سیاهان از نظر دور نمانده است.

توسعه تجارت کوچک و ایجاد شرکتهای کوچک و متوسط در دستور کار بوده و دستاوردهای خوبی داشته ولی کافی نمی باشد. دولت برای آموزش و تربیت مهارتها منابعی را اختصاص داده و بخش آموزش و تربیت کادر را در هر بخش اقتصاد ایجاد کرده است.

تقویت سیاهان بطور آرام صورت می گیرد. بطوریکه حضور سیاهان در مدیریت ارشد بین سالهای ۲۰۰۰ و ۲۰۰۱ از ۱۲٪ تا ۱۳٪ و در مدیریت پائین از ۱۵٪ تا ۱۶٪ رشد داشته است. مالکیت سیاهان بر شرکتهای عمومی که قبل از ۱۹۹۴ واقعا وجود نداشت، در سال ۱۹۹۷، ۳/۹٪ و در ۲۰۰۲، ۹/۴٪ بود که رشد خوبی داشته است.

با اقدامات صورت گرفته نرخ جرائم پائین آمده است: قتل نسب به سال ۱۹۹۴ تا ۳۰/۷٪ کاهش داشته، دزدی افزایش یافته اما تقریبا ۵۰٪ آن مربوط به دزدی موبایل در خیابان است و سرقت انواع خودرو و بانک کاهش نشان می دهد. جرائم خیابانی تا ۸۰٪ در مراکز شهرها کاهش یافته است. تجاوز به زنان که از سال ۱۹۹۴، ۱۰٪ افزایش یافته بود برای چند سال ثابت ماند و از ۱۹۹۹ به مقدار سال ۱۹۹۴ بازگشت. جنایات سازمان یافته و فساد کم شده است. برای مثال ماشین دزدی تا ۳۳/۷٪ و سرقت از بانک تا ۵۲/۲٪ پائین آمده است.

در مجموع اینکه دولت تلاش زیادی برای محو آثار و پیامدهای ناشی از سلطه ۴۰ ساله آپارتاید نموده که به گوشه‌هایی از آن اشاره شد؛ ولی هنوز آثار زیادی باقی مانده است چرا که سیستم آپارتاید خواسته و یا ناخواسته در اعماق جامعه آفریقای جنوبی ریشه دوانیده است. بطوریکه حذف کامل این سیستم از متن جامعه کار آسانی نیست. برای مثال با وجود اینکه آپارتاید ده سال است که از منطقه سوتو رخت بر بسته است، اما ساکنان این منطقه همچنان با فقر و مسائل مربوط به آن دست و پنجه نرم می کنند.

اکثر اهالی در خانه‌های کوچک و با امکانات بسیار محدود زندگی می‌گذرانند. در این منطقه تمایز شهر و روستا بسیار دشوار است. یکی از اعضای داوطلبان صلیب سرخ سووتو می‌گوید: اینجا علاوه بر فقر به شدت با بیماری HIV/AIDS مواجه هستیم. طبق آمار تقریباً ۲۰ درصد از جمعیت بزرگسال این منطقه مبتلا به این بیماری هستند. مرگ در سووتو بسیار عادی است. (۲۳)

نتیجه‌گیری

آپارتاید به معنای دقیق کلمه آن "از هم جدا بودن" است و در اصطلاح به سیاست تبعیض نژادی که توسط حزب ملی از سال ۱۹۴۸ در آفریقای جنوبی اعمال گردید، اطلاق می‌شود. حزب ملی که در سال ۱۹۱۵ توسط آفریکانرها تاسیس و در سال ۱۹۴۸ بر آفریقای جنوبی حاکم شد، آپارتاید را از حالت نظری به یک سیستم حکومتی تبدیل کرد.

سیاست آپارتاید عبارت است از جدا کردن شهروندان از یکدیگر بر حسب گروه‌های نژادی؛ و محدود کردن اقلیت‌های نژادی از حیث محل زیست و آمیزش با سفیدها (نژاد برتر) و سلب حقوق مدنی و سیاسی از آنان، نابرابری امکانات دستیابی به آموزش و کار در محیط‌های اجتماعی.

سفیدپوستان با تصویب و اجرای قوانین متعدد روز بروز فشار بیشتری بر جامعه سیاه پوستان و دیگر نژادها وارد می‌کردند. جامعه آفریقای جنوبی به ۴ گروه سفید، سیاه، رنگین پوست و آسیایی تقسیم شدند. آنها از اختلاط با یکدیگر منع شده و حق استفاده مشترک از اماکن عمومی نداشتند. نژادهای غیرسفید حق انتخاب مسکن، شغل، و حق نقل مکان نداشته و برای رفتن از یک منطقه به منطقه دیگر می‌بایست کارت عبور داشته

باشند. ازدواج و داشتن روابط با نژاد دیگر امکان پذیر نبود. هیچ حقی در حاکمیت و دولت نداشتند و از رای دادن محروم بودند. نژادها در مناطق تعیین شده می‌بایست زندگی کرده و حق انتقال به منطقه دیگر را نداشتند.

اثرات مثبت حکومت آپارتاید عمدتاً به سفید پوستان رسید. از تمام سرزمین‌های کشور تنها ۱۳٪ به سیاهان که ۷۰٪ جمعیت را تشکیل می‌دهند، رسید و ۸۷٪ آن به سفیدپوستان. معنا و ماهیت واقعی آپارتاید همین است؛ زندگی پراعتبار و پر تنعم برای سفیدپوستان برپایه استعمار نیروی کار و غیرسفید پوست و ارزان.^(۲۴)

شکی نیست که نظام آپارتاید و تاکید بر شناسایی وجدانی نژادها، زشت‌ترین و فاجعه‌آمیزترین شکل از اشکال استعمار یک ملت توسط گروهی از افراد دیگر و کامل‌ترین شکل استعمار در همه دوران را به نمایش گذاشت. گرچه در طول تاریخ، بشر با اشکال گوناگونی از تبعیض نژادی روبرو شده است. ولی آنچه که در آفریقای جنوبی اعمال گردید فاسدترین، غیر شرافتمندانه‌ترین و بی‌شرمانه‌ترین نوع تبعیض نژادی بوده است.^(۲۵)

افزایش فشارهای نژادپرستان سفید بر سیاهان موجب حادثه شدن مبارزات مردم آفریقای جنوبی و فشارهای بین‌المللی شد. و آپارتاید که بدست سفیدپوستان طراحی شده بود، نهایتاً با مبارزات مردم مظلوم و تحت ستم، فشارهای بین‌المللی و با کمک خود سفیدها به زباله دانی تاریخ انداخته شد و فصل‌نگین آپارتاید در تاریخ بشری به پایان رسید. اما آیا اثرات آن نیز محو شده و از بین رفته است؟ دولت غیر نژادی که از سال ۱۹۹۴ به حکومت رسید، تلاش‌های زیادی برای محو اثرات آپارتاید نموده و موفقیت‌های زیادی نیز داشته، اما با توجه به اثرات فراوان باقیمانده از دوران نژاد پرستی که تمامی زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و حتی سیاسی را در بر می‌گیرد، مردم

آفریقای جنوبی همچنان از اثرات و پیامدهای مخرب این سیاست غلط و غیر انسانی رنج می‌برند. بدون شک برای زدوده شدن آثار آپارتاید که در مدت نیم قرن برگرده میلیون‌ها نفر سنگینی کرده و اثرات عمیق آن چون زخمی کهنه بر بیکر مردم آفریقای جنوبی است، سالهای سال نیاز است. داستان جدا کردن انسانها از یکدیگر و لگدمال کردن غرور انسانها و توهین به کرامت بشری، داستان غم‌انگیزی است که حافظه تاریخ هیچگاه آن را فراموش نخواهد کرد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

- ۱- الهی، حسین، «نژادپرستی و آپارتاید در آفریقای جنوبی و نامیبیا»، مشهد: آستان قدس رضوی، اول، ۱۳۶۸، ص ۱۱
- ۲- لاگوما، الکس، «آپارتاید» ترجمه کریم امامی، تهران: خوارزمی، اول، ۱۳۶۰، ص ۲۴.
- ۳- کورتون، ماریان، «تاریخ معاصر آفریقا از جنگ جهانی دوم تا امروز»، ترجمه دکتر ابراهیم صدقیانی، تهران: امیرکبیر، اول، ۱۳۶۵، ص ۸۶
- ۴- لاگوما، الکس، همان منبع، ص ۵-۲۴
- ۵- علی بابایی، غلامرضا «فرهنگ علوم سیاسی - کتاب اول: واژه‌های سیاسی» تهران: نشر و پخش ویس، دوم ۱۳۶۹، ص ۶-۴
- ۶- لاگوما، الکس، همان منبع، ص ۳۴.
- ۷- همان منبع، ص ۳۴.
- ۸- الهی، حسین، همان منبع، ص ۲-۴۱.
- ۹- لاگوما، الکس، همان منبع، ص ۷۰
- ۱۰- الهی، حسین، همان منبع، ص ۴۳.
- ۱۱- الهی، حسین، همان منبع ص ۴۴.
- ۱۲- بشیر، حسن «مبارزه با آپارتاید از آغاز تا امروز»، تهران: روزنامه اطلاعات مورخ ۲۱ تیر الی ۵ مرداد ۱۳۷۲
- ۱۳- بشیر، حسن، همان منبع.
- ۱۴- الهی، حسین، همان منبع، ص ۱۰۷.
- ۱۵- چمنکار، احمد، «آفریقای جنوبی»، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، اول، ۱۳۷۳.
- ۱۶- الهی، حسین، همان منبع، ص ۱۱۸.
- ۱۷- همان منبع، ص ص ۲-۱۲۱.
- ۱۸- بولتن دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، سال هشتم، شماره ۷۹، ۱۳۷۳، ص ۵۵.
- ۱۹- دریگوند، غلامرضا، «زمینه‌های فروپاشی نظام آپارتاید در آفریقای جنوبی»، (پایان نامه)، دانشکده

روابط بین‌الملل، ص ۱۶۴.

20- Chababar, Harishran "South African Foreign Policy", NewDehli, Africa Publication, 1st, 1997, p. 13.

21- Ibid.

22- 6- www.gov.za

۲۳- جمعیت هلال احمر، «پیام هلال» شماره ۸۸، خرداد و تیر ۱۳۸۲، ص ۸۹.

۲۴- لاگوما، الکس، همان منبع، ص ۲۸.

۲۵- بشیر، حسن، «آفریقای جنوبی و بحرانهای چهار گانه»، تهران: مجله مطالعات آفریقا، سال اول.

شماره اول، تابستان ۱۳۷۳.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی